

# پژوهش‌ها در معماری اسلامی ۵

شماره شایا: X - 980 - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی  
قطب علمی معماری اسلامی  
سال دوم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۳

الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر  
محمد جواد مهدوی‌نژاد / محمد مشایخی / منیره بهرامی

بررسی تأثیر مفهوم «درخت طوبی» در شکل‌گیری گنبد‌های شاخص صفوی  
هادی صفایی‌پور / غلامحسین معماریان / محمدرضا بمانیان

مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه‌ی آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر  
فائزه شفیعیان داریانی / محمدرضا پورجعفر / علیرضا قبادی

باغ ایرانی - باغ شفابخش  
شفابخشی طبیعت در نگاه اسلامی و محیط‌های درمانی  
کریم مردمی / صدیقه میرهاشمی / کسری حسن پور

گونه‌شناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن  
اسدالله جودکی عزیزی / سیدرسول موسوی حاجی / رضا مهرآفرین

بررسی ویژگی‌های فضای ورودی به عنوان مفصل و حریم بصری در عرصه‌های عمومی مجاور  
نمونه موردی: بندر لافت  
مهران علی‌الحسابی / ابوالفضل قربانی

بازخوانی اسناد کتیبه‌ای غیرمنقول در میراث جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز  
حسین اسمعیلی سنگری / وحید ایلائی



### لیست داوران این شماره:

دکتر بهمن ادیب زاده، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی  
دکتر علی اسدپور، مدرس دانشگاه هنر شیراز  
دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشگاه تربیت مدرس  
دکتر علی اکبر تقوایی، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس  
دکتر حیدر جهانبخش، استادیار دانشگاه پیام نور  
دکتر مهدی خاکزند، استادیار دانشگاه علم و صنعت  
دکتر محمدحسین ذاکری، استادیار دانشگاه شیراز  
دکتر علی محمد رنجبر کرمانی، استادیار دانشگاه قم  
دکتر محمدمنان رئیسی، استادیار دانشگاه علم و صنعت  
دکتر حسن سجاذزاده، استادیار دانشگاه بوعلی همدان  
دکتر اصغر مرادی، استاد دانشگاه علم و صنعت  
دکتر ابوالفضل مشکینی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس  
دکتر غلامحسین معماریان، استاد دانشگاه علم و صنعت  
دکتر صلاح الدین مولانائی، استادیار دانشگاه کردستان  
دکتر مسعود ناری قمی، مدرس دانشگاه کاشان  
دکتر بهزاد وثیق، استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور  
دکتر پریسا هاشم پور، استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات  
وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶/۱۸/۳ مورخ  
۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود و  
برنامه هایی در دست است که مجله در پایگاه (ISI) نیز نمایه شود.

**مدیر مسئول:** معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

**سرمدیر:** مهندس عبدالحمید نقره کار

**مدیر داخلی:** دکتر محمد منان رئیسی

**ویراستار ادبی فارسی:** سارا متولی، محمد نقی تسکین دوست

**ویراستار ادبی انگلیسی:** مجتبی حکیم الهی

**کارشناس مجله:** مهندس امیر حسین یوسفی / فلامعمارزنجانی

### هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی : دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری : دانشیار دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر : استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طیبیان : استاد دانشگاه تهران

دکتر محسن فیضی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر حمید ماجدی : دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده : دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمدنقی زاده : استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران : دانشیار وزارت علوم تحقیقات ، فناوری

**طراح جلد و صفحه آرا:** مهندس امیر حسین یوسفی

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال



بررسی ویژگی های فضای ورودی به عنوان مفصل و حریم بصری  
در عرصه های عمومی مجاور؛ نمونه موردی: بندر لافت



مهران علی علی الحسینی\*

دکترای طراحی شهری، استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

ابوالفضل قربانی\*\*

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۲/۲۶

### چکیده:

بناها و بافت های تاریخی هر کشوری همچون آئینه تمام نماست که اصول و ارزش های حاکم بر آن جامعه را به نمایش می گذارد. یکی از مهم ترین اصول در معماری سنتی ایران به ویژه ایران پس از اسلام، اصل محرمیت است که تأثیر شگرف آن را می توان در شکل گیری شهرها و روستاهای تاریخی کشور مشاهده کرد. لذا بازشناخت نقش این اصل در شکل گیری محله ها، خانه ها و فضاهای مرتبط با آنها به عنوان قلمرو سکونت اهمیتی خاص می یابد. ورودی خانه با قرارگیری در مرز میان درون و بیرون یکی از مهم ترین تجلی گاه های تأثیر محرمیت در شکل گیری فضاهای سکونتی تاریخی است که غفلت از آن تحت تأثیر شتاب تحولات در عرصه های شهری و روستایی کشور، مشکلات متعددی را سبب شده است. این نوشتار تلاش دارد با شناسایی و معرفی فضای ورودی خانه ها در بندر لافت به عنوان نمونه ای از سکونتگاه های دارای بافت تاریخی کشور - که وجه مشخصه آن، دو ویژگی فشردگی و محصوریت بوده است - جایگاه و نقش فضاهای ورودی را در تبیین اصل محرمیت در بافت کهن آن بررسی نماید. در این راستا علاوه بر تعمق در منابع مکتوب، از مطالعات اکتشافی در حوزه میدانی جهت برداشت نمونه ها و مشخص کردن گونه ها استفاده شده است. سپس با بررسی اصول مکان یابی، تناسبات و عملکرد هر یک از گونه ها در تدارک اصل محرمیت و کنترل دید، ابداعات و اصول بکار رفته در این فضاها احصاء و به عنوان رهیافتی برای طراحی معاصر ارائه گردیده است.

واژه های کلیدی: لافت، عرصه ی خصوصی، فضای ورودی، محرمیت، عرصه ی عمومی.

## ۱. مقدمه

رعایت حدود و حرایم را به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مبانی فرهنگی در شکل‌گیری شهرها و روستاهای تاریخی کشور، به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد که بارزترین وجه آن مربوط به محلات و فضاهای باز آن‌ها بوده است. خانه به‌عنوان مهم‌ترین عرصه سکونت در معماری سنتی ایران از عناصر گوناگونی تشکیل شده که مکان‌یابی آن‌ها نسبت به خانه‌های مجاور و عرصه عمومی تأمین‌کننده فضایی دارای حریم برای آن بوده است. یکی از مهم‌ترین این عناصر که نقشی اساسی در ایجاد محرمیت، به‌واسطه قرارگیری در محل پیوند عرصه خصوصی و عمومی بر عهده دارد؛ ورودی خانه است. سیر ورود به یک‌خانه را در معماری سنتی ایران می‌توان به دو بخش کلی؛ هشتی و جلوخان تقسیم کرد. اگر فضای هشتی، ابزار تقسیم فضایی و ایجاد حریم در درون خانه در نظر گرفته شود؛ جلوخان، چنین نقشی را در عرصه عمومی بر عهده دارد. بدو شایان ذکر است به دلیل تنوع فرمی و کالبدی ورودی خانه‌ها در این نوشتار و بحث‌انگیز بودن کاربرد واژه‌هایی نظیر «پیش‌تاق و جلوخان» برای برخی از این فرم‌ها، به‌جای آن‌ها از واژه‌ی «فضای ورودی» استفاده شده است. تاکنون پژوهش‌های عدیده‌ای در خصوص فضاهای ورودی در بافت‌های تاریخی انجام شده است که وجه مشترک غالب آن‌ها را بررسی و تدوین ویژگی‌های کارکردی-بصری این فضا تشکیل داده و آنچه در این بین کمتر مورد توجه قرار گرفته؛ نحوه‌ی تعامل فضای ورودی با مهم‌ترین عرصه عمومی مجاور خود یعنی معابر و نقش آنها در سلسله‌مراتب شبکه ارتباطی است. بررسی و شناخت این موضوع از دو جهت حائز اهمیت است. از یک سو، تأثیر سطح متفاوت عمومیت معابر را بر شکل‌گیری فضای ورودی در جهت حفظ حریم عرصه داخلی بیان کرده و از سوی دیگر به نحوه‌ی تأثیر این فضا و مکان‌یابی آن بر حفظ حریم عرصه مقابل و اعلان نظارت بر آن اشاره دارد. دلیل اهمیت این موضوع آنست که با توجه به روند سریع تغییر و تحولات در عرصه شهری و روستایی، حریم فضایی داخلی خانه و مجموع فضاهای بیرونی اعم از راه‌ها و سایر

فضاهای شهری به حداقل رسیده (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۵۳۶) و فضاهای ورودی علی‌رغم کارکرد و اهمیتی ویژه که در تبیین حریم در این دو عرصه داشته‌اند؛ در حال ناپدید شدن از عرصه‌ی فضاهای شهری و روستایی کشور هستند. امروزه یکی از موضوعاتی که در اکثر طرح‌های معاصر رواج دارد؛ عدم توجه به مفهوم ورودی در اطراف فضا است. اساساً همه‌ی فضاها کاملاً مستقل و منتزع از تأثیرات جانبی اعم از هم‌جواری‌ها، نوع رویدادهای فضای پیرامون و ... طراحی می‌شوند. در این فرآیند طراحی ورودی عملاً در آخرین مرحله و نهایتاً به صورت صرفاً منفذی برای ارتباط درون و بیرون صورت می‌گیرد (پاکزاد ۱۳۹۰، ۲).

هدف اصلی این نوشتار به دست آوردن شناختی دقیق و علمی در خصوص عوامل مؤثر بر تأمین محرمیت عرصه مسکونی از رهگذار فضاهای ورودی است. این پژوهش در کنار عوامل متعددی همچون مسائل اقتصادی-اجتماعی که بر شکل‌گیری گونه‌های متنوع این فضا در بافت کهن بندر لافت تأثیرگذار بوده؛ بر تناسب ابعاد کالبدی فضای ورودی با عرض و درجه‌ی عمومیت معبر مقابل به عنوان یک عنصر کلیدی در راستای تبیین حریم عرصه مسکونی تأکید کرده و تلاش دارد تا با ارائه‌ی گونه‌ها و داده‌های مهمی در این زمینه، رهیافتی را در اختیار طراحان و برنامه‌ریزان جهت ساماندهی فضاهای سکونتی با توجه به اصل فوق قرار دهد.

در این راستا به واکاوی این عنصر در یکی از تاریخی‌ترین روستاهای کشور که دارای دو ویژگی فشرده‌گی و محصوریت در روند پیدایش خود بوده است؛ پرداخته شده است. در شرایطی که وجود این دو ویژگی در ساخت و سازهای نوین، زمینه‌ی نادیده گرفتن بسیاری از فضاهای تأثیرگذار بر محرمیت در معماری و شهری سنتی از جمله فضای ورودی را فراهم آورده است؛ در لافت با ابداعات بی‌نظیری در خلق این فضا جهت حفظ حریم عرصه داخلی مواجه هستیم. جهت تحصیل اصول و ابداعات به‌کاررفته در خلق فضای ورودی و تأثیر آن بر نحوه‌ی تعامل عرصه عمومی و خصوصی در بافت کهن بندر لافت باید به سؤالات زیر پاسخ گفت:





کالبدی نمونه‌ها و نقش آن‌ها در جهت حفظ محرمیت عرصه خصوصی و کنترل دید از عرصه عمومی پرداخته شد. بدین منظور حداقل فاصله‌ی دید عابر واقع در وسط معبر به درب ورودی بنا، با استفاده از پیمایش و اندازه‌گیری میدانی موردبررسی قرار گرفته و سپس با استفاده از ابعاد فضاهای ورودی و معابر برداشت‌شده، مساحت عرصه‌ی دارای دید به درب ورودی بنا به‌وسیله نرم‌افزار محاسبه و ترسیم گردیده است.

درنهایت، اطلاعات گردآوری‌شده اعم از کتابخانه‌ای و میدانی با روش تحلیل کیفی جمع‌بندی و نتیجه آن ارائه گردیده است.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. مفهوم و ویژگی‌های عمومی فضای ورودی  
مشخص بودن حد و مرز و یا قلمرو فضایی که انسان در آن زندگی می‌کند؛ خصلت فطری او است. قلمرو فضایی معمولاً به دو شیوه خصوصی و عمومی قابل تشخیص است. فضای خصوصی حد و مرز یا قلمرو خصوصی یک یا چند نفر را تعریف می‌کند و فضای عمومی نشان می‌دهد که متعلق به همگان است؛ اما مسئله قابل‌بحث حد فاصل این دو فضا است (توسلی ۱۳۹۰، ۷۶). فضای ورودی به‌عنوان مفصلی بین درون بنا و عرصه عمومی فضایی است که مکان تغییر مسیر حرکت برای ورود به یک بنا و نیز محل توقف و انتظار در جلوی بنا را از فضای عبوری راه متمایز می‌کند (سلطان‌زاده ۱۳۷۲، ۱۷۰).

در بافت‌های شهری و روستایی تاریخی، عموماً دو نوع فضای ورودی به‌واسطه نوع عمومیت بنا (ابنیه عمومی و خصوصی) قابل تشخیص است. معمولاً ورودی اصلی بناهای بزرگ و مهم معماری-شهری در مکانی استقرار می‌یافت که از فضای باز و راه‌های پیرامون بنا به‌خوبی قابل مشاهده باشد. همچنین غالباً برخی از عناصر و فضاهای مهم داخلی بنا را در صورت امکان در روبه روی درب ورودی و طوری می‌ساختند که توجه هر کسی بلافاصله پس از ورود به بنا به خود جلب کند (سلطان‌زاده ۱۳۷۲، ۱۷۳)؛ اما در حوزه‌ی محلات و عرصه سکونت، آنچه اهمیت می‌یابد نحوه‌ی تعامل دو عرصه خصوصی و عمومی و ایجاد محرمیت

۱. آیا ارتباطی میان تنوع فرمی فضاهای ورودی شکل یافته در بافت کهن روستای لافت با عرض و درجه‌ی عمومیت معبر در سلسله‌مراتب دسترسی وجود دارد؟

۲. نقش فضای ورودی در تأمین محرمیت عرصه‌ی خصوصی خانه چگونه است؟

۳. آیا فضای ورودی در لافت علاوه بر حفظ حریم عرصه خصوصی، چنین نقشی را در عرصه عمومی نیز ایفا می‌کند؟

## ۱-۱. روش تحقیق

در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده؛ نخست از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی و استخراج اصول بکار رفته در طراحی فضای ورودی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در حوزه‌ی معماری و شهرسازی سنتی پرداخته شد. سپس جهت گردآوری اطلاعات از قلمرو مکانی پژوهش، علاوه بر روش کتابخانه‌ای، شالوده اصلی مطالعه بر مبنای مطالعات میدانی قرار گرفت که به سه بخش عمده‌ی زیر قابل تقسیم است:

### شناخت

در این مرحله، جهت دستیابی به قانونمندی‌ها و سلسله‌مراتب حاکم بر شبکه معابر بافت کهن نخست درجه‌ی عمومیت و عرض هر یک از معابر مورد بررسی قرار گرفت. سپس به شناخت گونه‌های مختلف فضای ورودی ابنیه مسکونی و برداشت ابعاد و اندازه‌ی آن‌ها اقدام شد. در نهایت با بررسی ابعاد و اجزای کالبدی نمونه‌ها و موقعیت آن‌ها در سلسله‌مراتب مختلف شبکه ارتباطی، نمونه‌ها در سه گونه کلی دسته‌بندی گردید.

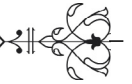
### نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این تحقیق به دلیل محدودیت تعداد خانه‌ها در بافت کهن بندر لافت، نمونه‌گیری تصادفی ساده است. بدین‌صورت که از هر یک از وجوه مختلف فضای ورودی دسته‌بندی‌شده در ۳ گونه اصلی، یک نمونه جهت تحلیل و بررسی انتخاب شده است. البته با توجه به پیچیدگی و یا بدیع بودن نمونه‌ها، در برخی گونه‌ها تعداد نمونه‌های ارزیابی‌شده تا ۳ مورد افزایش یافته است.

### تحلیل نمونه‌ها

در این مرحله با توجه به موضوع تحقیق، به بررسی تأثیرات





خصوصی شامل حیاط و عناصر دربرگیرنده آن؛ دوم فضای نیمه‌خصوصی - نیمه‌عمومی به صورت یک بن‌بست اختصاصی یا هشتی که به چند خانه راه داشته است و سوم فضای عمومی به صورت گذر و یا میدان (توسلی ۱۲۹۰، ۷۶). بر این مبنا مطابق تعریف فوق فضای ورودی خانه را می‌توان به واسطه‌ی ارتباط تنگاتنگ بین دو عرصه‌ی خصوصی و عمومی، یک فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی محسوب کرد که همواره سعی شده است تا در طراحی و ساخت آن بالاترین حد حریم و محرمیت در نظر گرفته شود؛ تا آنجا که توجه به این اصول از همان ابتدا، در فرم درب ورودی و تجهیزات الحاقی به آن ملاحظه می‌شود (معماریان و دیگران ۱۳۹۸). این دقیقاً همان بخشی است که نوشتار پیش رو درصدد پیگیری آن است.

### ۳. محدوده مورد مطالعه و ویژگی‌های آن

#### ۳-۱. موقعیت طبیعی بندر لافت

شهرستان قشم یکی از ۱۳ شهرستان استان هرمزگان است که به صورت مجمع‌الجزایری مشتمل بر ۴ جزیره کوچک و بزرگ (قشم، هرمز، لارک، هنگام) می‌باشد (سازمان آمار و اطلاعات ایران). بندر لافت در بزرگ‌ترین جزیره این مجموعه، یعنی جزیره قشم واقع شده است. موقعیت بندر لافت در دماغه شمالی جزیره قشم و در نزدیک‌ترین فاصله با ساحل ایران و عمق کم آب در این نقطه، از زمان‌های بسیار دور برای این بندر، شرایط و ویژگی‌های متمایزی را ایجاد نموده است.

#### ۳-۲. پیشینه پیدایش بندر لافت

تاریخچه شکل‌گیری بندر لافت را می‌توان به دو بازه زمانی لافت کهنه (لافت سیلان) و لافت نو تقسیم کرد (تصویر ۱).



تصویر ۱. موقعیت سایت فعلی و باستانی (لافت کهنه) بندر لافت. (مأخذ: نقشه پایه: Google Earth تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۲/۶؛ مأخذ: موقعیت سایت باستانی بندر لافت: امت علی ۱۳۸۰)

برای بنا است. ورودی به عنوان فضای قرار گرفته در مرز بین این دو عرصه در عین تفکیک نمودن حریم بیرون و اندرون، عامل پیوند فضای داخل و خارج نیز هست. از یک سو، قسمتی از فضای ورودی به خانه است و بخشی از فضای داخل به حساب می‌آید و از جنبه‌ای دیگر قسمتی از فضای عرصه عمومی می‌باشد که پاسخگوی رفتارها در فضای شهر و روستا است (مهدی پور، جعفری، و سعادت‌ی ۱۳۹۲).

### ۲-۲. محرمیت و جایگاه آن در شکل‌گیری فضای ورودی عرصه مسکونی

«سکن» یا «مسکن» واژه عربی به معنای خانه می‌باشد. این اصطلاح از واژه‌ی سکینه یا سکون ریشه می‌گیرد که به معنی حالت سکون، آرامش بدون درگیری و سکوت می‌باشد (حشام مرتضی ۱۳۸۷، ۱۵۰). آرامش در مقابل آسیب‌های روانی و فیزیکی را می‌توان مفهوم واقعی سکون دانست (همان). اینجاست که اصل تبیین حریم و ایجاد محرمیت برای عرصه‌ی خانه اهمیت می‌یابد. محرمیت را می‌توان یکی از اصولی دانست که گرچه از گذشته‌های دور در معماری ایران زمین به چشم می‌خورده است و در دیگر فرهنگ‌ها نیز تا حدودی قابل دسترس است؛ ولیکن اوج شکوفایی آن را می‌بایست در معماری پس از اسلام ایران دانست (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶). سرمنشأ توجه وافر به این اصل در دوره اسلامی را می‌توان تأکید مکرر مقدس‌ترین منبع دینی مسلمانان یعنی قرآن بر این امر دانست که از آن جمله می‌توان به آیه شریفه زیر اشاره کرد: «و لیس البر بان تأتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و أتوا البیوت من ابوابها» (بقره: ۱۸۹) «نیکو نیست که از پشت خانه‌ها بدان وارد شوید؛ بلکه نیکوکار کسی است که پرهیزکاری کند و از درهای خانه‌ها بدان درآید». خداوند در این آیه، طراحی خانه‌ها را مستلزم داشتن حریم امن و دور از هرگونه مزاحمت هم‌جواری و با ورودی‌های مشخص توصیه نموده است (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۵۰۶).

بر این مبنا اگر به بررسی تجربه‌ی گذشتگان در شهرهای قدیمی ایران بپردازیم؛ سه فضا با خصوصیات متفاوت را از یکدیگر می‌توانیم تشخیص دهیم. نخست فضای

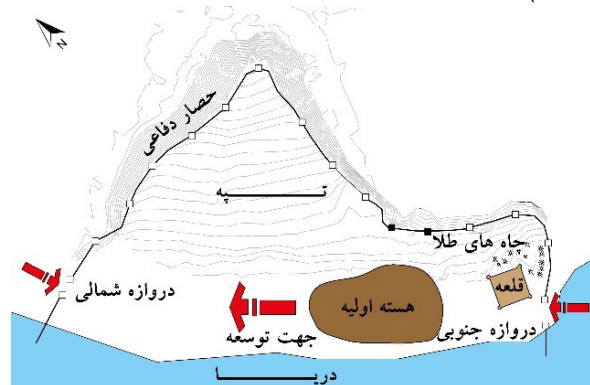


جدید مجموعه که در دو سوی بافت قدیم قرار دارد؛ تپه مرکزی را در میان گرفته و اراضی نسبتاً مسطح شمال و شرق آن را اشغال کرده است (طرح هادی روستای لافت ۱۳۸۰).

### ۳-۳. شبکه معابر در بافت کهن بندر لافت

شبکه معابر در بافت کهن بندر لافت به صورت کلی دو معبر شاخص در این بافت قابل شناسایی است که عبارت‌اند از گذر اصلی بافت کهن و خیابان ساحلی که هر دو به موازات ساحل کشیده شده‌اند با این تفاوت که اولی درون بافت و دومی که از جمله راه‌های جدید است در حاشیه ساحل ایجاد شده است. آنچه بافت کهن بندر لافت را با توجه به ماهیت بومی و سنتی آن جالب توجه می‌کند؛ وجود سلسله مراتب در شبکه دسترسی آن است که این ویژگی را در بسیاری از شهرهای قدیمی ایران که دارای بافت بارزش و بناهای تاریخی هستند؛ می‌توان مشاهده کرد (دهقانی ۱۳۸۷، ۳۴۳). با این تفاوت که در لافت به دلیل فشردگی ناشی از محصوریت، میان بن‌بست‌ها و معابر فرعی به عنوان فضای نیمه‌خصوصی و نیمه عمومی تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد (تصویر ۳). از سوی دیگر با توجه به عرض  $2/80 - 7$  متری گذر اصلی (متوسط ۳ متر) و ۱ تا ۳ متری معابر فرعی و بن‌بست‌ها (متوسط ۲ متر) واحدهای معماری عموماً یک طبقه‌ای که جداره معابر را تشکیل می‌دهند؛ شاهد شکل‌گیری یک شبکه دسترسی دارای مقیاس انسانی در بافت کهن هستیم.

لافت کهنه دارای تاریخی پرآوازه بوده است. اما بندر لافت یا -چنانکه در بین مردم مصطلح می‌باشد- لافت نو؛ احتمالاً در اثر کوچ مردم از لافت کهنه شکل گرفته است. این کوچ احتمالاً همزمان با احداث قلعه لافت بوده است. این قلعه دارای حصار طبیعی و مصنوع بود که آن را در مقابل تهاجم زمینی و دریایی مصون نگه می‌داشت. در سمت شرق، کوه با دیوارهای عمومی و پرشیب خود و در سمت غرب دریا، دو حصار طبیعی قلعه لافت را تشکیل می‌دادند. در دو سمت شمالی و جنوبی نیز دو دیوار مصنوع، این حصار را تکمیل می‌کردند (طرح هادی روستای لافت ۱۳۸۰).

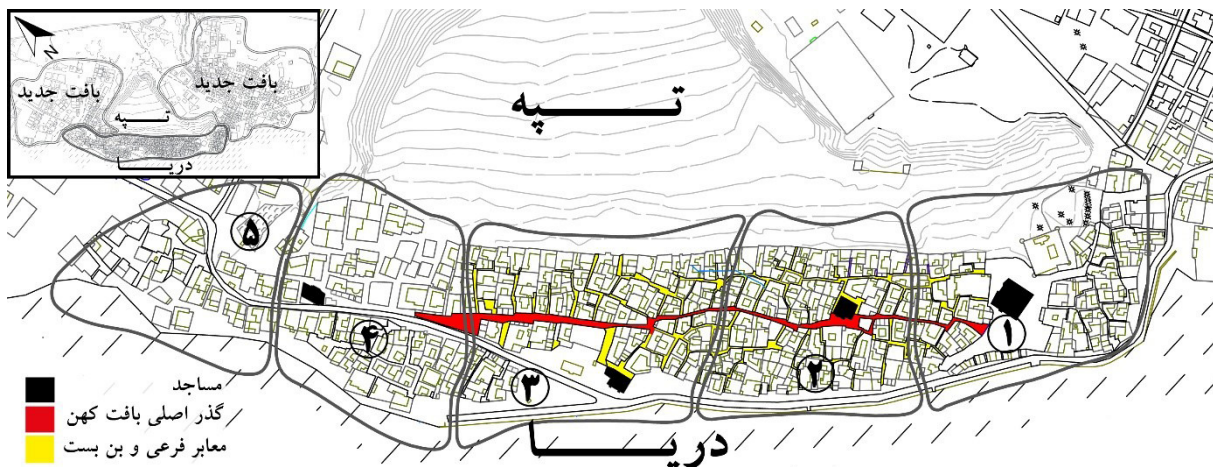


تصویر ۲. نحوه گسترش بافت کهن بندر لافت در میان موانع طبیعی و مصنوعی؛ (مأخذ: امت علی ۱۳۸۰)

با تشکیل هسته اولیه بندر لافت در کنار قلعه، تنها مسیر برای توسعه کالبدی، در جهت شمال و در امتداد ساحل دریا تا دیواره شمالی می‌توانست باشد؛ زیرا امکان توسعه کالبدی در جبهه شرقی و غربی و جنوبی عملاً وجود نداشت (طرح هادی روستای لافت ۱۳۸۰). بافت کهن بندر لافت به طول تقریبی ۱ کیلومتر و عرض متوسط ۱۷۰ متر در چند راسته اصلی به موازات امتداد ساحلی واقع است. مساجد این بافت (۴ مسجد از ۷ مسجد لافت) در عمل محله‌هایی را در طول بافت تعریف کرده‌اند (گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران ۱۳۸۰، ۱۰) (تصویر ۴).

با برقراری امنیت در سال‌های پس از ۱۳۰۰ خورشیدی، بندر لافت از حصارهای خود خارج شد و توسعه کالبدی خارج از حصارهای طبیعی و مصنوع در شمال و جنوب شرقی رو به گسترش نهاد (امت علی ۱۳۸۰، ۳۰). بافت





تصویر ۳. سلسله مراتب دسترسی و نظام محله بندی در بافت کهن بندر لافت؛  
 ۱. محله مسجد جامع ۲. محله میانی ۳. محله مسجد تی آبی ۴. محله مسجد کبکان ۵. محله کوه عبدالرحمان؛  
 (مأخذ: طرح هادی بندر لافت ۱۳۹۰؛ تدقیق و ترسیم نگارندگان)

این نمونه، مهم ترین شکل ورودی در لافت می باشد که به لحاظ ابعاد و فرم کالبدی، نمونه ای کامل از فضای ورودی را به نمایش می گذارد. این الگو به واسطه قرارگیری در نواحی عریض گذر اصلی، عرصه ای فضایی تعریف شده را در جلوی درب ورودی ایجاد کرده و به عنوان یک مفصل قوی، مرز بین درون و بیرون را تعریف می کند.

بخش دیگری از فضاهای ورودی در این گونه را فضاهای ورودی ساده تشکیل می دهد؛ اما به جهت تأکید بر تفاوت گونه ها و جلوگیری از تکرار در تحلیل و بررسی ها به خصوص به دلیل مشابهت های مکانی گونه های اول و دوم و قرارگیری آنها در گذر اصلی، در گونه دوم مورد ارزیابی قرار گرفته است. (تصویر شماره ۴) **۲-۴. فضاهای ورودی شکل یافته در نواحی کم عرض گذر اصلی (ورودی بدون فضای پیرنشین)** این گونه که وجه مشخصه کالبدی آن کاهش ابعاد و اجزای کالبدی و محصور شدن فضای ورودی با یک جداره ساده (قاب بندی) و یا عقب رفتگی از دیوار معبر است؛ بیشتر در نقاط کم عرض گذر اصلی مشاهده می شود. البته در نواحی که با کاهش شدید عرض گذر اصلی مواجه باشد؛ قاب بندی به صورت مورب ایجاد شده تا با حفظ فرم کالبدی و تعیین



تصویر ۴. الگوی شکل گرفته در گذر اصلی؛ (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲)

**۴. فضای ورودی در بافت کهن بندر لافت**  
 آنچه بافت کهن لافت را شایان توجه می نماید؛ تلاش برای ایجاد محرمیت در عین فشردگی و محصوریت در میان حصارهای طبیعی و مصنوعی است. این تلاش در عرصه معابر با ایجاد فضای ورودی، متناسب با سلسله مراتب فضای عبوری مقابل شکل یافته است. با توجه به وجه عمومی و خصوصی بودن معابر و عرض مربوط به آنها در معماری کهن لافت، می توان فضای ورودی را به ۳ دسته کلی تقسیم کرد.  
**۱-۴. فضاهای ورودی شکل یافته در گذر اصلی (ورودی به همراه پیرنشین)**







به سایر گونه‌ها به خود اختصاص می‌دهد. به واسطه‌ی کثرت معابر فرعی و بن‌بست در عرصه سکونت، این الگو دارای تنوع بیشتری نسبت به سایر گونه‌ها بوده و به صورت فضاهای ورودی ساده، سایه‌بانی، تاقی و برخی نمونه‌های ذکر شده در گونه قبل مانند فضای ورودی عقب نشسته و قاب‌بندی شده اما با ابعاد محدودتر، قابل مشاهده است.

فضایی، عرصه‌ی کمتری را از سطح معبر اشغال کند. اگرچه در این الگو به واسطه محدودیت فضایی، با شکل ساده‌تری از فضای ورودی مواجه است؛ اما به واسطه‌ی تناسب این فرم با عرصه مقابل خود، همچنان با ایجاد عرصه‌ای فضایی دارای سلسله‌مراتب (اما محدودتر از گونه قبل) به تعریف مناسب رابطه درون و بیرون می‌پردازد.



تصویر ۷. فضای ورودی ساده؛  
(مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲-۱۳۹۳)



تصویر ۵. فضای ورودی دارای قاب‌بندی و قاب‌بندی مورب؛  
(مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲-۱۳۹۳)



تصویر ۸. فضای ورودی سایه‌بانی و تاقی شکل؛  
(مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲-۱۳۹۳)



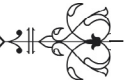
تصویر ۶. فضای ورودی عقب نشسته و ساده؛  
(مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲-۱۳۹۳)

شایان ذکر است که تفاوت به نظر رسیده میان قدمت ابنیه، با توجه به ثبت بافت در زمره بافت‌های تاریخی کشور، به واسطه ساخت‌وساز جدید نبوده؛ بلکه مربوط به مسکون یا غیرمسکون بودن ابنیه است. بدین صورت که ابنیه دارای سکنه عموماً از کیفیت کالبدی بالاتری برخوردار بوده و در برخی نمونه‌ها با انجام تغییرات کالبدی سطحی نظیر استفاده از درب و پنجره فلزی به جای انواع چوبی آن، امکان

### ۳-۴. فضاهای ورودی شکل یافته در معابر فرعی و بن‌بست گذر اصلی (ورودی بدون فضای پیش‌تاق)

گونه سوم، ساده‌ترین شکل فضای ورودی در بافت کهن روستای لافت می‌باشد که به واسطه ارگانیک بودن و کاهش عرض معابر فرعی کمترین عرصه فضایی را نسبت





می‌دهد. البته به‌واسطه‌ی وجه غالب ورودی‌های ساده در معابر فرعی و بن‌بست و افزایش تحولات در شکل کهن ورودی‌ها با نزدیک شدن به مرزهای خارجی بافت کهن، از ذکر تعداد دقیق آن‌ها خودداری شده است.

جدول ۱. تعداد گونه‌های مختلف ورودی خانه در بافت کهن؛  
مأخذ: برداشت میدانی نگارندگان.

تعداد	نوع فضای ورودی	نوع معبر	گونه
۳	کامل	نواحی عریض گذر اصلی	گونه ۱
۲۵	ساده (مشترک بین گونه (۱ و ۲))	نواحی کم‌عرض گذر اصلی	گونه ۲
۲	قاب‌بندی مورب		
۷	قاب بندی		
۹	عقب نشسته		
۴	سایبانی	معابر فرعی و بن‌بست	گونه ۳
۲	تاقی		
حدود ۸۰	ساده		

## ۶. ترکیب و تناسبات فضاهای ورودی

چنانچه هر مکانی به‌وسیله هر فردی چه از جنبه کالبدی و چه از جنبه بصری قابل دسترسی باشد؛ محرمیت خدشه‌دار می‌شود (بنتلی و همکاران ۱۳۸۷، ۱۵). یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر محرمیت فضای ورودی، نفوذپذیری بصری و توان کنترل آن می‌باشد. در مبحث کنترل دید، تناسبات فضای ورودی و اجزای سازنده آن از سایر عوامل پررنگ‌تر است.

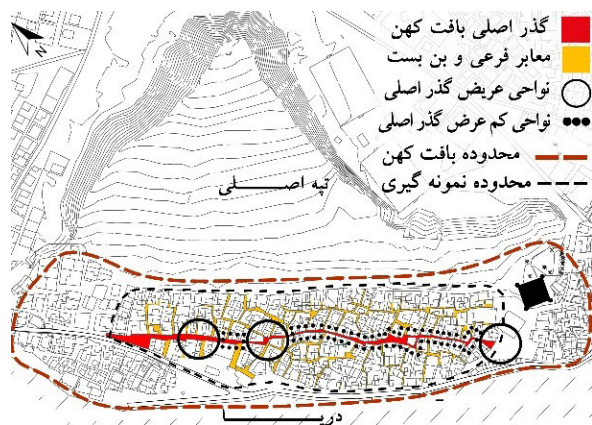
جدول ۲ با ارائه تقسیم‌بندی کلی از نمونه‌های موجود در ۳ گونه فوق، ابعاد، اندازه و تناسبات آن‌ها را جهت درک بهتر شرایط کالبدی هر یک از فضاهای ورودی را ارائه می‌کند. در اینجا می‌توان به‌وضوح شاهد کاهش ابعاد و اجزای فضاهای ورودی، با توجه به عرض معبر و نقش آن‌ها در فضای ارتباطی بود.

این تناسبات نشان می‌دهد که فضاهای ورودی شکل یافته در بافت کهن لافت دارای کشیدگی عمودی هستند و با

استفاده روزآمد از بنا فراهم نموده‌اند. در وجهی دیگر، ابنیه فاقد سکنه که به دلیل تعددی از جمله وجود مشکلات و نارسایی‌های در زمینه کیفیت سکونت در بافت قدیم، بویژه در خصوص تأسیسات زیربنایی و خدمات، ساکنان خود را از دست داده‌اند؛ چنین تغییراتی را شاهد نمی‌باشند. بدین ترتیب نمونه‌های منتخب جهت بررسی، دارای شاکله و ساختار اصلی فضاهای ورودی بومی در لافت می‌باشد.

۵. موقعیت و تعداد نمونه‌ها

محدوده نمونه‌گیری در این پژوهش بخش مرکزی بافت تاریخی بندر لافت می‌باشد که شاهد تحولات کالبدی کمتری بوده و تا حد بسیار زیادی، شکل کهن خود را حفظ کرده است. الگوی دارای پیر نشین، به‌عنوان نخستین و کامل‌ترین گونه ورودی در بافت کهن لافت در نواحی عریض گذر اصلی که دارای عرضی معادل ۴-۷ متر می‌باشند مشاهده می‌شود (تصویر ۹).



تصویر ۹. نواحی سه‌گانه در بافت کهن بندر لافت؛  
(مأخذ: طرح هادی لافت ۱۳۸۰. تدقیق و ترسیم نگارندگان)

دومین گونه فضای ورودی که شامل انواع گونه‌های بدون پیرشین است؛ در فواصل مابین گونه‌ی نخست یعنی نواحی کم‌عرض گذر اصلی که دارای عرض معادل ۲/۸۰-۴ متر است؛ قابل مشاهده است. ورودی‌های ساده نیز که وجه غالب ورودی‌ها را در گونه سوم شکل می‌دهند؛ در معابر فرعی و بن‌بست پیرامون گذر اصلی که دارای عرضی در حدود ۱-۳ متر هستند؛ مشاهده می‌شوند.

جدول ۱، تعداد نمونه‌های موجود در هر یک از گونه‌های مختلف فضاهای ورودی در بافت تاریخی لافت را نمایش





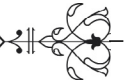
کاربست تزئینات بر این کشیدگی تأکید شده و از خلق فضاهای ورودی پهن و کشیده (کشیدگی افقی) پرهیز شده است. دلیل این امر را می توان اجتناب از مداخله عمده در

فضای عبوری با توجه به محدودیت فضایی شبکه دسترسی و ایجاد گشودگی وسیع به عرصه عمومی دانست

جدول ۲. تناسبات فضاهای ورودی موجود در بافت کهن بندر لافت؛ (مأخذ: برداشت میدانی نگارندگان)

تناسبات فضای ورودی شکل یافته در گذر اصلی		
<p>۱-۱</p>	<p>۱-۲</p>	<p>۱-۳</p>
<p><math>a=0/63</math> ارتفاع کل = <math>3/10m</math> عرض کل = <math>1/90m</math></p>	<p><math>a=0/7</math> ارتفاع کل = <math>3/10m</math> عرض کل = <math>2/35m</math></p>	<p><math>a=0/7</math> ارتفاع کل = <math>3/25m</math> عرض کل = <math>2/20m</math></p>
تناسبات ورودی شکل یافته در نواحی کم عرض گذر اصلی		
<p>۲-۱</p>	<p>۲-۲</p>	<p>۲-۳</p>
<p><math>a=0/42</math> ارتفاع کل = <math>2/50m</math> عرض کل = <math>2/00m</math></p>	<p><math>a=0/5</math> ارتفاع کل = <math>3/50m</math> عرض کل = <math>2/60m</math></p>	<p><math>a=0/6</math> ارتفاع کل = <math>2/35m</math> عرض کل = <math>2/35m</math></p>
<p>۲-۴</p>	<p>۲-۵</p>	<p>۲-۶</p>
<p><math>a=0/1</math> ارتفاع کل = <math>2/50m</math> عرض کل = <math>1/90m</math></p>	<p><math>a=0/4</math> ارتفاع کل = <math>2/60m</math> عرض کل = <math>1/25m</math></p>	<p><math>a=0/1</math> ارتفاع کل = <math>1/70m</math> عرض کل = <math>1/00m</math></p>

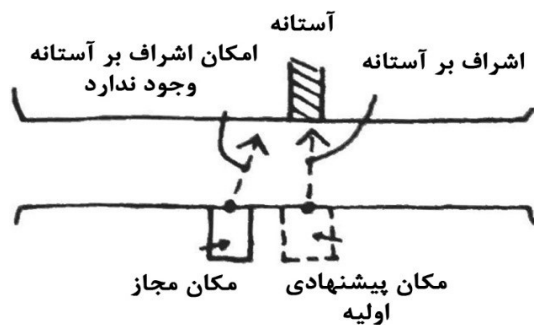




تناسبات ورودی شکل یافته در معابر فرعی و بن بست		
۳-۱	۳-۲	۳-۳
$a=0/5$ ارتفاع کل = $2/50m$ عرض کل = $2/55m$	$a=0/4$ ارتفاع کل = $2/40m$ عرض کل = $1/15m$	$a=0/5$ ارتفاع کل = $2/20m$ عرض کل = $1/30m$

تا صمیمیت اجتماعی محکمی را در بین خود برقرار کنند تا حدی که بتوانند بر یکدیگر تکیه کرده و هرکدام از آن‌ها دارایی، آبرو و زندگی خود را در بین همسایگان محفوظ بدانند (مرتضی ۱۳۸۷، ۵۲).

در این راستا محل استقرار درب‌های ورودی، خانه‌ها بایستی با رعایت اصل صیانت از زندگی خصوصی و اطمینان از عدم آسیب به حریم خصوصی همسایگان، تعیین گردد. از نظر فقهای اسلامی، این درب‌ها نبایستی نزدیک به هم و یا رو به روی یکدیگر باز شوند و باید طوری نصب شوند که اگر کسی جلوی در ایستاده باشد؛ نتواند به داخل خانه روبه‌رو یا مجاور دید داشته باشد (همان ۱۳۷)؛ زیرا در غیر این صورت منجر به کنجکاو بی‌مورد و خدشه‌دار شدن روابط همسایگی می‌شود.



تصویر ۱۰. نحوه مکان‌یابی ورودی منازل در معبر؛ (مأخذ: مرتضی ۱۳۸۷، ۹۳)

## ۷. بازتاب اصل محرمیت در بافت کهن بندر لافت

قبل از پرداختن به موضوع محرمیت و تأثیر کالبدی فضای ورودی خانه‌ها در کنترل دید به این عرصه، اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که «علاوه بر موضوعات کالبدی، بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و رفتار اجتماعی همچون برابری و برادری و مقید بودن مردم به همکاری و معاضدت با همسایگان و خویشان و دوستان و رعایت حلال و حرام الهی، شرایط اطمینان بخشی را برای زندگی اجتماعی فراهم می‌کرده است» (نقی‌زاده ۱۳۸۷، ۱۱۸). اما آنچه در اینجا موضوع بحث است ایجاد محرمیت از دیدگاه کالبدی است که آن را به سه صورت کلی می‌توان تقسیم نمود؛ نخست مکان‌یابی فضای ورودی در معبر عمومی، دوم اجزای کالبدی و تناسبات آن‌ها و تأثیر آن‌ها در کنترل دید از معبر مقابل و سوم نقش ورودی منازل قرارگرفته در محل اتصال معابر فرعی و فضای عمومی به‌عنوان ورودی محله.

### ۷-۱. اصل مکان‌یابی فضای ورودی در معبر عمومی

این اصل ناظر بر حقوق همسایگان ساکن در یک معبر اعم از اصلی یا فرعی می‌باشد. اسلام از همسایگان می‌خواهد



از عرصه عمومی با تعیین حریم و اضافه نمودن فضای میانی به خوبی به انجام می‌رساند. با تعریف مفصلی جهت دسترسی به بنا به تفکیک فضای عبور و فضای دسترسی می‌پردازد و با تقویت حریم از ورود بی‌واسطه به اندرون جلوگیری می‌نماید (مهدی پور و دیگران ۱۳۹۲). در اینجا نقش اجزای تشکیل‌دهنده فضای ورودی، تناسب و توانایی آن‌ها در کنترل دید از عرصه عمومی اهمیت می‌یابد.

آنچه در بافت کهن بندر لافت حائز اهمیت است این است که در بخش اعظمی از گذر اصلی، فضاهای ورودی به گونه‌ای است که تا عابر پیاده در فاصله‌ی معینی از آن‌ها قرار نگیرد؛ قادر به مشاهده درب ورودی خانه نخواهد بود. در ادامه به بررسی فواصل دید به فضای ورودی و نقش اجزا و تناسب آن‌ها در کنترل دید پرداخته می‌شود. شایان ذکر است در نواحی که فرم ارگانیک گذر اصلی در پیرامون فضای ورودی محسوس بوده نظیر گونه‌های ۱-۱ و ۲-۳ در محاسبات مربوطه لحاظ شده؛ اما نظر به ناچیز بودن، تغییرات گذر اصلی پیرامون سایر گونه‌ها از ترسیم تأثیر آن صرف نظر شده است.

### ۷-۲-۱. کنترل دید در ورودی شکل یافته در گذر اصلی

آنچه نخست بدان پرداخته می‌شود؛ ورودی‌های قرار گرفته در گذر اصلی است. «این گونه خیابان‌ها، حریم عمومی به شمار می‌روند و عبور از آن‌ها برای تمامی اشخاص مجاز خواهد بود و در دست‌نوشته‌های قدیمی از آن به‌عنوان طریق‌المسلمین نیز یاد شده است. با این حال این معبر بر روی تمام افراد چه مسلمان و چه غیرمسلمان - باز است» (حکیم ۱۳۸۱، ۵۰). این وجه عمومی خیابان اصلی، خود حاکی از نقش مهم فضای ورودی برای خانه‌ها به‌عنوان خصوصی‌ترین مکان قرار گرفته در این عرصه است.

بر این اساس گذشت ورودی‌های قرار گرفته در گذر اصلی بندر لافت دارای عناصری اصلی شامل پیش تاق، پیرنشین و ستون می‌باشند. گونه ۱-۱ در جدول ۳ نشان‌دهنده یک فضای ورودی در گذر اصلی است. این فضا از یک سو با مسجد جامع و عرصه فضایی اطراف آن در ارتباط بوده و از



تصویر ۱۱. دیدهای پیاپی از فضاهای ورودی مقابل، ورودی ۱؛ (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲)



تصویر ۱۲. دیدهای پیاپی از فضاهای ورودی مقابل، ورودی ۲؛ (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲)



تصویر ۱۳. دیدهای پیاپی از فضاهای ورودی مقابل، ورودی ۳؛ (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲)

### ۷-۲. نقش اجزا و تناسب فضای ورودی در کنترل دید از معبر به عرصه خصوصی

اصل اسلامی حفظ حریم خانه، در ارتباط با اصلی است که جداسازی حریم زندگی خصوصی فرد از نظر عموم را واجب می‌داند (مرتضی ۱۳۸۷، ۱۳۵). فضای ورودی در اینجا رسالت خود را در تفکیک عرصه خصوصی خانه

نسبت به دید قبلی (آستانه دید از فضای پیرنشین) تشکیل می‌دهد. در شکل ۱-۱ این فاصله به دلیل متغیر بودن عرض معبر در دو طرف فضای ورودی، از سمت مسجد جامع برابر ۳/۶۵ متر و از سمت گذر اصلی برابر ۱/۹۰ متر است. بنابراین در صورت عدم وجود فضای ورودی، دید به درب ورودی وسعت زیادی پیدا کرده و عابران از فاصله ۱۸/۳۰ متری و یا بیشتر بسته به محل قرارگیری نسبت به خط وسط معبر، توانایی دید به درب ورودی را دارا خواهند بود.

نکته‌ی دیگری که در جدول شماره ۳ مورد بررسی قرار گرفت «مساحت عرصه دارای دید به درب ورودی» است که با وجود عرصه‌ی فضایی وسیع ذکرشده پیرامون مسجد جامع و معبر مقابل، تنها ۶۲ مترمربع از عرصه پیرامون را مطابق شکل ۱-۱ در بر می‌گیرد. این مساحت نیز تنها برای کسی قابل ادراک است که در منتهی‌الیه دیوار مقابل فضای ورودی حرکت نماید و با حرکت عابر از وسط گذر اصلی، این مساحت به تناسب کاهش می‌یابد. نمونه‌های ۱-۲ و ۱-۳ در جدول ۳ دارای مشابهت‌های کارکردی با نمونه فوق می‌باشند که از بسط آن‌ها صرف‌نظر شده است.

سوی دیگر شروعی برای گذر اصلی بافت کهن بندر لافت است. در این‌گونه دو نوع دید متفاوت به عرصه فضای ورودی وجود دارد. اولین نوع دید که دارای حدفاصل بیشتری از فضای ورودی است؛ «آستانه دید از فضای پیرنشین» نام دارد. همان‌گونه که از نام آن پیداست اولین برخورد با فضای ورودی و از آن طریق با درب ورودی خانه‌ها در این‌گونه از فضای پیرنشین صورت می‌گیرد که به دلیل اقلیم گرم و مرطوب منطقه و لزوم جریان هوا به صورت شفاف ایجاد شده است. در اینجا به واسطه قرارگیری فضای ورودی در محلی پرفرت‌وآمد، عرض فضای پیرنشین تا ۴۰ سانتی‌متر کاهش و نقش تزئینی یافته است. با توجه به این کاهش عرض و حرکت عابر در معبر عمومی، همواره بخشی از درب در محدوده دید قرار می‌گیرد و عملاً دید دقیقی به درب ورودی از فاصله‌ی ۱۸/۳۵ تا ۳/۶۵ متری از سمت مسجد جامع و ۸/۳۰ تا ۱/۹۰ متری از سمت گذر اصلی به فضای ورودی وجود ندارد.

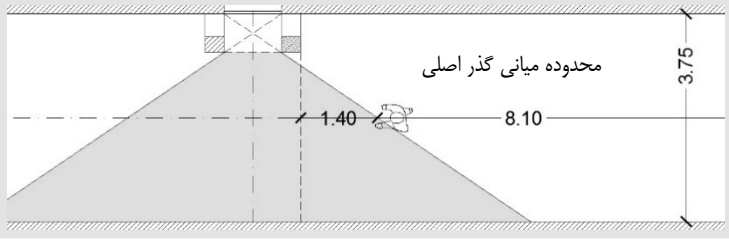
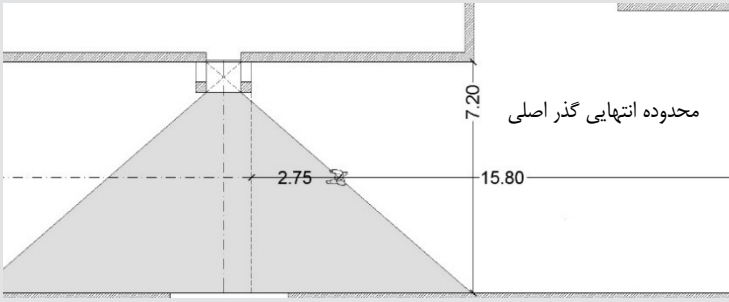
نوع دیگر از دید به عرصه فضای ورودی، حدفاصلی است که عابر با قرارگیری در آن می‌تواند دیدمستقیمی به درب ورودی داشته باشد. این حدفاصل را «آستانه دید به درب ورودی» می‌نامیم. این نوع دید همواره فاصله کوتاه‌تری را

جدول ۳. نقش فضاهای ورودی موجود در گذر اصلی در کنترل دید؛ (مأخذ: برداشت میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳)

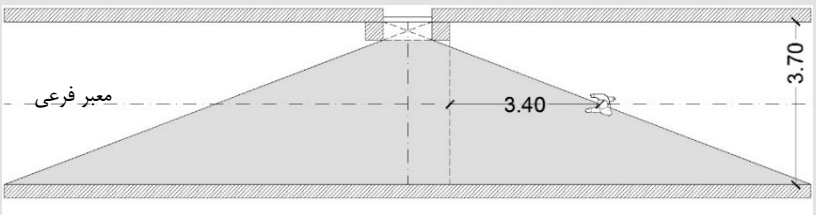
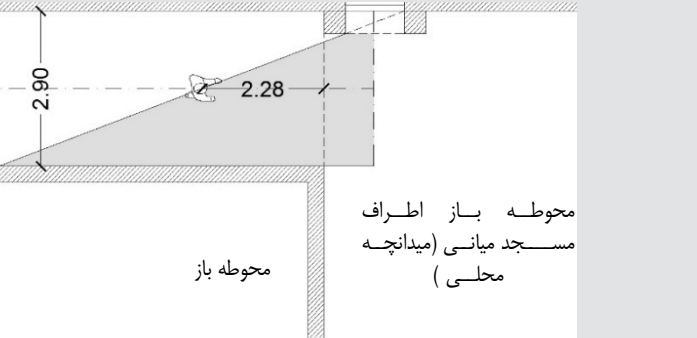
نوع	عرض معبر	آستانه دید از فضای پیرنشین به درب	آستانه دید به درب	مساحت عرصه دارای دید به درب	پلان	
					محوطه باز اطراف مسجد جامع (میدانچه محلی)	پلان
۱-۱	چپ	چپ	چپ	۶۳م <sup>۲</sup>		
	۴/۱۰	۸/۳۰	۱/۹۰			
	راست	راست	راست			
	۴/۶۰ - ۱۳/۳۰	۱۸/۳۵	۳/۶۵			





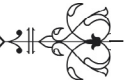
۱-۲	۳/۷۵	۸/۱۰	۱/۴۰	۱۷m <sup>۲</sup>	
۱-۳	۷/۲۰	۲/۷۵	۱۵/۸۰	۵۲m <sup>۲</sup>	

جدول ۴. نقش فضاهای ورودی موجود در نواحی کم عرض گذر اصلی در کنترل دید؛ (مأخذ: برداشت میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳)

نوع	عرض معبر	آستانه دید به درب	مساحت عرصه دارای دید به درب	پلان
۲-۱	۳/۷۰	۳/۴۰	۳۱m <sup>۲</sup>	
۲-۲	۲/۹۰	۲/۲۸	۹/۴۰m <sup>۲</sup>	

معبر فرعی





۲-۳	۱/۸۰	۱/۰۰	۱۲/۵۰ m <sup>۲</sup>	گذر اصلی محوطه باز معبّر فرعی	
۲-۴	۲/۸۰	بالاتنه ۲/۸۰ پایین تنه ۶/۵۰	۴۱ m <sup>۲</sup>		
۲-۵	۳/۳۰	۵/۰۰	۳۸ m <sup>۲</sup>		
۲-۶	۳/۲۰	۹/۷۰	۶۵ m <sup>۲</sup>		

جدول ۵. نقش فضاهای ورودی موجود در معابر فرعی و بن بست در کنترل دید؛ (مأخذ: برداشت میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳)

نوع	عرض معبر	آستانه دید به درب	مساحت عرصه دارای دید به درب	پلان گذر اصلی
۳-۱	۲/۶۵	۱/۵۰	۲۴ m <sup>۲</sup>	
۳-۲	۲/۶۵	۵/۱۰	۳۱ m <sup>۲</sup>	
۳-۳	۱/۵۰	۴/۵۰	۱۵ m <sup>۲</sup>	







۴۰ سانتی‌متر است. شاید در نگاه اول بتوان چنین فرمی را در جهت پاسخگویی به شرایط اقلیمی دانست ولی با تأمل در ابعاد کالبدی محدود آن، دلیل اصلی این امر چیز دیگری می‌نماید. با بررسی تأثیر این فرم بر عرصه معبر عمومی می‌توان دو حالت متفاوت از «آستانه دید به درب» را برای فضای ورودی تفکیک نمود. در حالت اول که از فاصله‌ی ۶/۵۰ متری از فضای ورودی به طول ۱/۷۰ متر است؛ حدفاصلی است که عابر با قرار گرفتن در آن به بالاتنه و چهره‌ی فردی که در درگاه درب ورودی ایستاده است دیدی ندارد و سپس با گذشتن از فاصله‌ی ۴/۸۰ متری فضای ورودی، تمامی عرصه درب ورودی در دید او قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که این نوع علاوه بر حل معضل محدودیت عرض‌گذر اصلی و کنترل دید، مساحت «عرصه دارای دید به درب» فضای ورودی را به ۴۱ مترمربع، کاهش می‌دهد.

#### فضای ورودی عقب نشسته

این ترکیب شکل دیگری از تلاش جهت کنترل دید به عرصه‌ی خصوصی خانه را از طریق فضای ورودی نمایش می‌دهد. در اینجا جهت ایجاد محرمیت و کنترل دید، فضای ورودی با عقب نشستگی از جداره عمومی معبر تعریف می‌شود و می‌توان مشاهده کرد که در معبری به عرض ۳/۳۰ متر «آستانه دید به درب» ورودی به ۵ متر و «مساحت عرصه دارای دید به درب ورودی» به ۳۸ مترمربع کاهش می‌یابد. با مقایسه این نوع با نمونه ساده ترسیم‌شده در شکل ۶-۲ می‌توان دریافت که یک عقب نشستگی ۴۰ سانتی‌متری از جداره عمومی، «آستانه دید به درب ورودی» و «مساحت عرصه دارای دید به درب» را حدوداً به ۱/۲ برابر کاهش می‌دهد.

#### فضای ورودی ساده

این نوع را می‌توان ساده‌ترین فضای ورودی شکل یافته در گذر اصلی بندر لافت دانست. در اینجا با بیشترین فاصله و مساحت دارای دید به درب ورودی روبه‌رو هستیم؛ چنان‌که در محدوده معمول از گذر اصلی با عرض ۳/۳۰ متر، «آستانه‌ی دید به درب ورودی» برابر ۹/۷۰ متر و «مساحت عرصه دارای دید به درب فضای ورودی» برابر ۶۵ مترمربع

#### ۷-۲-۲. کنترل دید در ورودی‌های موجود در نواحی کم‌عرض گذر اصلی

گونه دیگر ورودی‌های شکل یافته در نواحی کم‌عرض گذر اصلی است. این وجه از خلق فضای ورودی در ارتباط با عرصه مقابل را می‌توان شاهکار معماری و شهرسازی بافت کهن بندر لافت برای غلبه بر فشردگی ناشی از محصوریت دانست.

#### فضای ورودی دارای قاب‌بندی

در اینجا به دلیل عدم وجود فضای پیرنشین تنها باحالتی روبه‌رو هستیم که عابر پیاده با قرارگیری در آن دارای توانایی دید به درب ورودی می‌باشد که با نام «آستانه دید به درب» مشخص شده است. شکل ۱-۲ در جدول ۴ یک فضای ورودی دارای قاب‌بندی را در معبری به عرض ۳/۴۰ متر نمایش می‌دهد. این فضای ورودی از یک جداره ساده به ضخامت ۰/۴۲ متر تشکیل شده؛ اما همین جداره ساده «آستانه دید عابر به درب ورودی» را به ۳/۴۰ متر از طرفین فضای ورودی و «مساحت عرصه دارای دید به درب» را به ۳۲ مترمربع کاهش می‌دهد. ویژگی و تأثیر منحصر به فرد این نوع فضای ورودی را می‌توان با مقایسه آن با نمونه ساده‌ی ترسیم‌شده در شکل ۶-۲ بررسی نمود. فضای ورودی دارای قاب‌بندی نمایش داده شده در شکل ۱-۲ با توجه به عرض بیشتر معبر مقابل (۰/۵۰ متر) دارای «آستانه دیدی» حدود ۱/۳ برابر نمونه ساده و «مساحت عرصه دارای دید به فضای ورودی» حدود ۱/۲ برابر نمونه ساده آن است.

نمونه ۲-۲ و ۳-۲ با آنکه در این‌گونه جای می‌گیرند؛ اما به‌واسطه داشتن ویژگی‌های عملکردی خاصی، به‌صورت جداگانه در دسته‌بندی بعدی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

#### فضای ورودی دارای قاب‌بندی معرّب

شکل ۴-۲ نمونه‌ی دیگری از فضاهای قاب‌بندی شده را نمایش می‌دهد با این تفاوت که با توجه به کاهش شدید عرض‌گذر اصلی (۱/۸۰ متر)، ابعاد آن در محل اتصال با کف معبر تحدید یافته است به‌صورتی که ضخامت آن در پایین‌ترین نقطه ۱۰ سانتی‌متر و در بالای درب ورودی





محل اتصال گذر اصلی و معابر فرعی به‌عنوان ورودی حوزه سکونت (محلات) اهمیت می‌یابد.

ورودی محل معرف شخصیت و هویت مجموعه‌ای است که در پشت آن قرار دارند. از آنجاکه هر محله ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد؛ ورودی محله نیز تحت تأثیر این قضیه می‌بایستی منحصر به فرد بوده و در وجهی دیگر برای ساکنین محله و آن‌هایی که به‌صورت مقصدی وارد آن می‌شوند شاخص ولی نسبت به سایرین غریب گز باشد (پاکزاد ۱۳۸۷، ۲۴). برای بررسی این مسئله به نقش این فضاهای ورودی در دو عرصه‌ی فضای باز پیرامون مسجد میانی به‌عنوان مرکز محله‌ی میانی و دیگری به‌صورت عام در طول گذر اصلی پرداخته می‌شود.

### ۷-۳-۱. ورودی‌های معابر فرعی در پیرامون عرصه فضایی وسیع

در بسیاری از محله‌های شهرها و روستاهای تاریخی ایران، می‌توان فضاهایی را به‌عنوان مرکز محله تشخیص داد. این مراکز از نظر شکلی و کالبدی به دو صورت راسته که از گذرهای دیگر در محل‌های استقرار فضاهای اجتماعی و تجاری عریض‌تر بوده و یا میدانچه تشکیل می‌شده‌اند. میدانچه‌ها اغلب در محل تقاطع چندراه و یا در کنار راه اصلی محله قرار داشتند و پیرامون برخی از آن‌ها تعدادی دکان برای عرضه کالای اهالی محله قرار داشت (سلطان‌زاده ۱۳۷۲، ۸۸).

محوطه باز اطراف مسجد میانی لافت به‌صورت میدانچه به‌عنوان مرکز محله‌ی میانی ایفای نقش می‌کند. فضاهای ورودی قرارگرفته در این میدانچه در شکل ۲-۲ و ۳-۲، در جدول ۳ نشان داده شد. این دو نمونه علاوه بر کنترل دید عابران از معبر فرعی به عرصه ورودی خود، در ایجاد محرمیت در عرصه ابتدایی معابر فرعی محل استقرار خود نیز نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در غیر این صورت، کثرت رفت‌وآمد در مرکز محله و تمایل به دسترسی کوتاه‌تر، موجب کشیده شدن تردد به معابر فرعی شده و زمینه‌ی از دست رفتن حریم و محرمیت در این معابر را فراهم می‌آورد (تصاویر ۱۵-۱۷).

منحصر به فرد بودن و غریب گز بودن، دو ویژگی مهم در

است؛ اما باید توجه داشت که به دلیل کوچکی مقیاس درب‌های ورودی در این نوع و تأثیر فرم ارگانیک معابر در فواصل زیاد، این نوع ورودی نیز، به‌راحتی در جداره گذر اصلی قابل تشخیص نیست.

۷-۲-۳. کنترل دید در معابر فرعی و بن بست  
همه‌ی راه‌هایی که معابر اصلی را به یکدیگر متصل می‌کردند یا معابری که برای تأمین دسترسی بخشی از یک محله یا تعدادی از واحدهای مسکونی و یا شهری ساخته می‌شدند؛ معابر فرعی به شمار می‌آیند (سلطان‌زاده ۱۳۸۷، ۲۵). فضای اطراف معابر فرعی به واحدهای مسکونی تعلق داشت و عرصه فعالیت‌های مربوط به خانواده به‌خصوص زنان و بچه‌ها بوده است (سلطان‌زاده ۱۳۸۷، ۴۱). همان‌طور که قبلاً اشاره شد در این‌گونه، شاهد شکل‌گیری فضاهای ورودی گوناگونی همچون فضای ورودی قاب‌بندی شده، عقب نشسته، ساده، سایبانی و تاقی شکل هستیم. البته دو مورد آخر به دلیل دارا نبودن اجزای کالبدی تأثیرگذار در کنترل دید به‌عنوان ورودی ساده لحاظ شده‌اند. عملکرد فضاهای ورودی شکل یافته در معابر فرعی و بن بست در جدول ۵، به تفصیل نمایش داده شد اما به دلیل همانندی با گونه‌ی شکل یافته در نواحی کم‌عرض گذر اصلی که شرح آن گذشت؛ از ذکر دوباره آن‌ها خودداری می‌گردد.

در مقام ارزیابی گونه‌های ۲ و ۳ به طور کلی می‌توان گفت که فضای ورودی دارای قاب‌بندی به علت کاهش عرض معبر مقابل خود، دارای بیشترین توانایی در کنترل دید بوده و پس از آن فضای ورودی عقب نشسته و در نهایت ورودی ساده جای می‌گیرد.

### ۷-۳. نقش ورودی منازل قرارگرفته در محل اتصال معابر اصلی و فرعی به‌عنوان ورودی محله

این ویژگی مختص آن دسته از فضاهای ورودی است که در محدوده ابتدایی معابر فرعی قرار می‌گیرند. همان‌طور که گفته شد در لافت باوجود ماهیت روستایی و محدودیت فضایی، شاهد شکل‌گیری سلسله‌مراتب در شبکه دسترسی هستیم که در طول گذر اصلی، محلات مختلف را شکل داده و از طریق معابر فرعی به حوزه‌های مسکونی اتصال می‌یابد. اینجاست که نقش فضاهای ورودی قرارگرفته در





تصویر ۱۷. فضای ورودی قرارگرفته در عرصه مرکز محله، (شکل ۲-۳)؛ (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲)

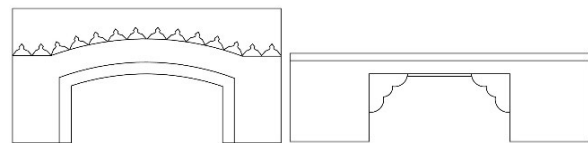
غریب گز بودن، ویژگی دیگری است که در اینجا بدان پرداخته می‌شود. دو نکته که در ایجاد این حس تأثیرگذار می‌باشد آن است که به لحاظ فضایی - کالبدی، ورودی‌ها جلوه‌گری ننمایند و در عابر پیاده هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای ورود ایجاد نکند و از طرف دیگر به لحاظ فضایی و ذهنی نیز نوعی سلسله‌مراتب را در ذهن ایجاد نماید، به نحوی که افراد با احساس حریمی خصوصی‌تر، از عبور غیر مقصدی و عبوری در آن اجتناب نمایند (پاکزاد ۱۳۸۷، ۲۴).

در بافت کهن بندر لافت، مردم‌واری تناسب فضاهای ورودی که در ارتباط مستقیم با آسایش اقلیمی و فشردگی آن است، موجب می‌شود تا فضای ورودی خانه‌ها در عرصه‌ی عمومی جلوه‌گری ننمایند و از سوی دیگر با قرارگیری فضای ورودی دارای قاب‌بندی در محل اتصال معابر فرعی با عرصه‌ی عمومی مرکز محله، علاوه بر القای حس مالکیت و نظارت بر عرصه معابر فرعی، با کاهش عرض معبر در نقطه اتصال، ویژگی غریب گز بودن را برای این معابر فراهم می‌کند.

### ۲-۳-۷. ورودی‌های قرارگرفته در محل اتصال معابر فرعی و گذر اصلی در گونه قرار دارند.

علاوه بر نقش ارتباطی که یکی از مهم‌ترین کارکردهای معابر و شبکه دسترسی است؛ فعالیت‌های دیگری نیز در این فضا انجام می‌شده‌است. بدین سبب، هر یک از انواع راه‌ها از موقعیت و خصوصیت کمابیش معینی برخوردار

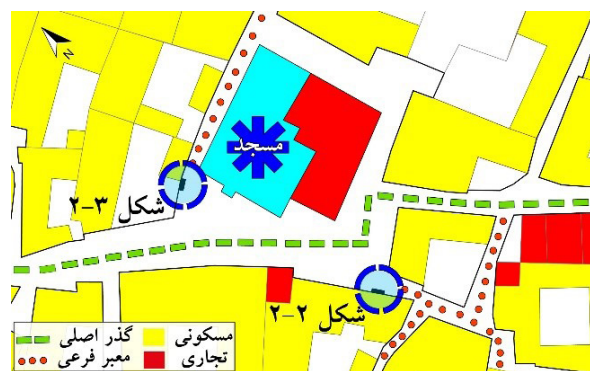
ورودی محلات است. با توجه به اینکه بسیاری از این معابر فرعی به حوزه یک محله تعلق دارند؛ به لحاظ منحصربه‌فرد بودن نمی‌توان میان آن‌ها تفکیک خاصی قائل شده و تغییرات عمده‌ای را در کالبد فضای ورودی آن‌ها انتظار داشت. تفاوت آن‌ها را می‌توان در سطح تناسبات و تزئیناتی در گچ‌بری، سردر و درب‌های ورودی جست‌وجو کرد (تصویر ۱۴).



شکل ۲-۲

شکل ۲-۳

تصویر ۱۴. تزئینات به کار رفته در فضای ورودی؛ (مأخذ: نگارندگان)

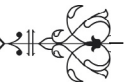


تصویر ۱۵: مرکز محله میانی و فضاهای ورودی اطراف آن؛ (مأخذ: طرح هادی لافت، ترسیم نگارندگان)



تصویر ۱۶. فضای ورودی قرارگرفته در عرصه مرکز محله، (شکل ۲-۲)؛ (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۳)





## ۸. نتیجه گیری

از دیرباز تبیین رابطه درون و بیرون، همواره یکی از دل مشغولی ها در حوزه طراحی خانه ها و محلات مسکونی بوده است. پژوهش حاضر نشان می دهد چگونه فضای ورودی خانه ها با نظام مند کردن حریم درون و بیرون، به حفظ محریمیت منجر می شود.

بررسی تحولات کالبدی فضای ورودی در تناسب با عرض و جایگاه عرصه عبوری مقابل آن در سلسله مراتب شبکه دسترسی، نشان می دهد که هر چه از عرض و عمومیت معبر مجاور این فضا کاسته می شود به تناسب، اجزا و ابعاد کالبدی فضای ورودی نیز کاهش می یابد. در حالی که ورودی های شکل یافته در گذر اصلی به عنوان عمومی ترین معبر، واجد تمامی اجزای تشکیل دهنده یک فضای ورودی است؛ اجزای این فضا در معابر فرعی و بن بست به عنوان یک فضای نیمه عمومی - نیمه خصوصی تا حد یک درب کاهش می یابد.

بررسی میزان تأثیر فرم هر یک از ورودی ها بر کنترل دید و تأمین محریمیت عرصه خصوصی با استفاده از ۳ پارامتر «عرض معبر»، «آستانه دید به درب ورودی» و «مساحت دارای دید به درب ورودی (از عرصه ی عمومی)» حاکی از تأثیر شگرف ابعاد و اجزای فضای ورودی در تأمین حریم و کنترل دید به درب ورودی متناسب با نوع عمومیت معبر است. در فرآیند این بررسی ورودی های قاب بندی شده، به عنوان یکی از ابداعات بی نظیر در معماری کهن لاف ت غلبه بر محدودیت عرصه شبکه ارتباطی و خلق فضای ورودی متناسب با آن بدست آمد که در عین سادگی فرمی تأثیر شگفت آوری در تأمین محریمیت عرصه خصوصی دارد. چنانکه مشاهده شد؛ با شکل گیری فضاهای ورودی از نوع قاب بندی شده (متناسب با عرض محدود) در نقاط اتصال برخی معابر فرعی و گذر اصلی، زمینه القای حس نظارت و مالکیت بر عرصه معبر فرعی مقابل فراهم گردید. این شیوه مکان یابی فضای ورودی عرصه مسکونی را نیز می توان به عنوان یکی از ابداعات و شاهکارهای معماری کهن لاف ت برای تأمین محریمیت معابر فرعی دانست. بنابراین، می توان دریافت که با مکان یابی هوشمندانه ی فضاهای ورودی در

بوده که موجب هدایت و کنترل فعالیت ها و رفتارهای جاری در آن می شده است. در عرصه محلات، ساکنان خود را صاحب اختیار گذر و کوی محل سکونت خود دانسته و در تعیین سرنوشت و نحوه ی استفاده از آن ها سهیم می دانستند. (سلطانزاده ۱۳۸۷، ۳۳-۳۹). نظر به تعلق فضای پیرامون معابر فرعی به واحدهای همسایگی و خانواده ها بخصوص زنان و بچه ها و نیز اینکه معابر اصلی، حریم عمومی بوده و دارای بیشترین میزان تردد می باشد؛ لازم بوده است با کاربری تمهیداتی در محل اتصال معابر اصلی و فرعی، از کنجکاوای بی مورد و عبور غیر ضروری در معابر فرعی جلوگیری شود.

با توجه به توضیحات فوق در طول گذر اصلی نیز همچون عرصه ی عمومی مرکز محله، شاهد استفاده از قابلیت های ورودی واقع در ابتدای معابر فرعی در جهت القای نظارت و ایجاد حریم بر این معابر هستیم. شکل ۳-۱ در جدول ۳ نشان دهنده ی یک نمونه از فضای ورودی در محل تلاقی گذر اصلی و معبر فرعی است (تصویر ۱۸). در این مورد نیز با استفاده از یک ورودی قاب بندی شده، سعی گردیده تا دو ویژگی منحصر به فرد بودن و غریب گز بودن ورودی معبر فرعی با استفاده از تزئینات و تناسبات فضای ورودی گوشزد شود. شایان ذکر است که وجه غالب ورودی های معابر فرعی را، ورودی های ساده تشکیل می دهد و فضاهای ورودی با فرم کالبدی خاص، عموماً در محل تلاقی و حدی از معبر فرعی که از گذر اصلی دارای دید است بکار رفته است (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸. ورودی قرار گرفته در نقطه اتصال معبر فرعی با گذر اصلی (دید به معبر فرعی)؛ (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۲)



عرصه عمومی، علاوه بر حفظ حریم خصوصی و روابط  
مستحکم همسایگی، می‌توان حریم خاصی را نیز برای

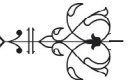
## منابع

۱. امت علی، عباس. ۱۳۸۳، بررسی تاریخی و معرفی بندر لافت جزیره قشم. اثر (۳۶-۳۷): ۱۳۶-۱۳۹.
۲. بنتلی، ای یان، آلن الکک، پال مورین، سومک گلین، و گراهام اسمیت. ۱۹۸۵. محیط‌های پاسخده. ترجمه مصطفی بهزاد فر. ۱۳۸۷. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۹۰. راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران: شهیدی.
۴. پایگاه مرکز آمار ایران. ۱۳۹۳. اطلاعات پایه استان هرمزگان. [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir) (دسترسی در ۱۴/۱۰/۹۳، ساعت ۲۳:۵۵).
۵. توسلی، محمود. ۱۳۹۰. طراحی شهری هنر نو کردن ساختار شهر: همراه با چهار نمونه موردی. تهران: خانه‌ی چاپ و طرح.
۶. حکیم، بسیم سلیم. ۱۹۸۷. شهرهای اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه‌ی محمدحسین ملک احمدی، عارف اقوامی مقدم. ۱۳۸۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۲. فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران.
۸. سیفیان، محمدکاظم، و محمدرضا حمودی. ۱۳۸۶. محرمیت در معماری سنتی ایران. هویت شهر (۱): ۳-۱۴.
۹. عباس زادگان، مصطفی؛ رضازاده، راضیه. ۱۳۸۰. طرح هادی بندر لافت.
۱۰. کسمائی، مرتضی، ۱۳۸۵. اقلیم و معماری. تهران: خاک.
۱۱. گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. ۱۳۸۰. معماری بندر لافت. تهران: سازمان منطقه آزاد قشم.
۱۲. لیلیان، محمدرضا، مهدیه عابدی، و آریین امیرخانی. ۱۳۹۲. جستاری بر شناخت ویژگی‌های ساختاری معماری روستای جزیره قشم (نمونه مورد بررسی: روستای لافت). مسکن و محیط روستا ۲۲ (۱۳۰): ۲۲-۳۷.
۱۳. مرتضی، حشام. ۲۰۰۵. اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام. ترجمه‌ی ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. ۱۳۸۷. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۴. معماریان، غلامحسین، سید مجید هاشمی طغرالجردی، و حسام کمال پور. ۱۳۸۹. تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان. تحقیقات فرهنگی (۱۰): ۱-۲۶.
۱۵. مهدی پور، حسین، رشید جعفری، و سید پوران دخت ساداتی. ۱۳۹۲. جایگاه جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران. مسکن و محیط روستا ۲۲ (۱۳۲): ۱۸-۳.
۱۶. نقره‌کار، سید عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۷. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی: از تجلیات تا عینیات. تهران: مانی.

## References

1. A Group of Students from the Faculty of Fine Arts of Tehran University. 2001. *Architecture of Loft Port*. Tehran: Qeshm Free Zone Organization.
2. Abbaszadegan, Mostafa, and Razieh Rezazadeh. 2001. *Guide Plan of Loft Port*.
3. Bentley, Ian, Alan Alcock, Paul Murrain, Sue McGlynn, and Graham Smith. 1985. *Responsive Environments: A Manual for Designers*. Translated by Mostafa Behzadfar. Tehran: University of Science and Technology.
4. Hakim, Basim Salim. 1987. *Islamic cities: Principles of Architecture and Urban Planning*. Translated by Mohammad Hossein Malek Ahmadi, Aref Aghvami Moghaddam. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
5. Kasmai, Morteza. 2006. *Climate and Architecture*. Tehran: Khak.
6. Lilian, Mohammad Reza, Mahdieh Abedi, and Arian Amirkhani. 2013. Understanding the Structural Characteristics of Village Architecture of Qeshm Island (Case Study: Loft Village). *Housing and Rural Environment* 22(130): 22-37.





7. Omatali, Abbas. 2004. Historical Review and Introduction to Loft island. *Asar* (36-37): 136-139.
8. Pakzad, Jahanshah. 2005. *Guidelines to design Urban Spaces in Iran*. Tehran: Shahidi.
9. Seifian, Mohammad Kazem, and Mohammad Hamooi. 2007. Privacy in Traditional Architecture of Iran. *Hoviateshahr* (1): 3-14.
10. Sultanzade, Hossein. 1993. Urban spaces in Historical Fabrics of Iran. Tehran: Cultural Research Office in Corporation with Tehran Municipality.
11. Mehdipoor, Hossein, Rashid Jafari, and Seyed Poorandokht Sadati. 2013. Place of Forecourt in Native Residential Architecture of Iran. *Housing and Rural Environment* 22(132): 3-18.
12. Memarian, Gholamhosein, Seyed Majid Hashemi Taghraljerdy, and Hesam Kamalpoor. 2010. Influence of Religious Culture on Forming the house: Comparative Study of Houses in Destricts of Muslims, Zoroastrians, and Kerman Jews. *Cultural Research* (10): 1-26.
13. Morteza, Hesham. 2005. *Traditional Islamic Principles of Construction*. Translated by Abolfazl Meshkini and Kiumars Habibi. Tehran: Urban Design and Architecture Studies and Research Center.
14. Naghizadeh, Mohammad. 2008. *Islamic City and Architecture: From Manifestations up to Objectives*. Tehran: Mani.
15. Noghrekar, Seyed Abd al-Hamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development.
16. Statistical Center of Iran Website. 2014. Basic Datas of Hormozgan. [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir) (accessed at 2015/01/5, 23: 55).
17. Tavassoli, Mahmood. 2008. *Urban Design, the Art of Renewing Urban Structure, with Four Case Studies*. Tehran: Khane-ye Chap va Tarh.





## Reviewing the characteristics of the entrance as a articulation and visual privacy in adjacent public space - Case study; Laft port

Mehran alialhesabi\*

PhD in Urban Design, Assistant Professor, University of Science and Technology

Abolfazl ghorbani\*\*

Graduate Student Urban Design, Iran University of Science and Technology (responsible for correspondence)

Received: 27/10/ 2014

Accepted: 14/03/2015

### Abstract

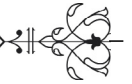
Monuments and historical fabrics of each country are like a comprehensive mirror of all the principles and values of the community to showcase its ruling. One of most important principle in traditional architecture of Iran, especially after entrance of Islam, is privacy that has been deep impact on the formation of historical urban and rural spaces. Therefore the recognition of this principle in the formation of neighborhoods and homes and spaces associated with them are particular importance as the territory of residence.

The entrance which is located on the border between inside and outside of the House measures has the most important privacy impact on the shaping of residential space that it's neglecting under the influence of developments in urban and rural area of the country, leads to several problems in residential space. To the best of our knowledge, there are a lot of studies in the context of entrance space in hierarchical fabric. The most of these studies have reviewed the visual and functional features, but none of these studies have considered the interaction of entrance space with the most important adjacent public space, i.e. passages and their function in the hierarchical access network. The study of this issue is important in two ways; first, this study considers the impact of different levels of generality of passages on the formation of entrance space according to protecting interior space privacy; second, this study mentions the impact of this space and its location on protecting adjacent space privacy and surveillance of the public realm.

The aim of this paper is to identify and introduce the homes entrance space of the Laft harbor as an example of a village with historical fabrics of country, which is including two feathers of compression and restriction as its characteristics for investigating of position and the role of entry spaces in articulating of the privacy principle.

In this regard, in addition to pondering of written resources, discovery and field studies in order to take samples and determine the species has been used.

Based on these findings, there are three general types of entrance space under, the entrance space formed in the main passage, the entrance space formed in the narrow area of main passage and main entrance located at the side and dead-end street was identified. Pir-Neshin pattern is



the first and the most complete entrance type in wide area of main passage with the width of 4-7 meters. This pattern prevails in the historical fabric of Laft. The second type of entrance space that includes a variety of patterns without Pir-Neshin is observable in the narrow area of main passage with the width of 2.80-4 meters. The third type is the simple entrance which is observable in the side and dead-end streets with the width of 1-3 meters.

In this paper, privacy is studied from physical viewpoint in three forms; first, entrance space location in public passages; second, physical component and its proportion and their impact on visibility control from adjacent passage; third, the role of entrance as a community entrance placed on the joint point of side passages and public space. Then with preparing of privacy principle and control the vision, principles of positioning, performance and proportions of each species were investigated and consequently principles and innovations in this space were defined. Following as a result of this research was presented:

Check the physical developments in relation to the width of the input space and place it against the password field in the access network hierarchy, indicating that whatever adjacent space width and general ferryboat is decreased, the components and key dimensions of input space are also reduced.

With exploring the physical effect of written forms in the realm of General ferryboat, the ability and any particular role of component to control in the sight of the entrance door of the House was exhibited as a starting point of private realm. The deep impact of some simple forms on increasing of homes realm as one of the unique inventions of ancient architecture of loft was revealed to overcome the limitations of network communication and the creation of the related input space.

With clever positioning of public inputs in the public realm, in addition to preserving the privacy and strong ties to the neighborhood, the entrance of certain area can be defined as well as public realm.

**Keywords:**Laft, Input Spaces, Privacy Principle, and Access Hierarchy.





**Managing Director:** vice chancellor for  
research-Iran University of Science and Technology

**Editor-in-chief:** Abdol Hamid Noghreh Kar

**Administrative Director:**

Mohammad Mannan Raeesi

**Administrative assistant:**

AmirHosein Yousefi / Fanela Memar Zanjani

**Persian literary Editor:**

Sara Motevalli, Mohammad Naghi Taskin Doost

**English literary editor:** Mojtaba Hakimollhi

**Editorial Board Members:**

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,  
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,

Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University

of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University

of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Associate Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

**Design assistant:** Eng AmirHosein Yousefi

**Reviewers for Volume1, Number5:**

**Bahman Adibzadeh,** Associate professor, Shahid  
Beheshti University

**Ali Asadpoor:** Lecturer, Shiraz Art University

**Mohammad Reza Bemanian:** Professor, Tarbiat  
Modares University

**Parisa Hashempoor:** Assistant Professor, Tabriz  
Islamic Art University

**Heidar Jahan Bakhsh:** Assistant Professor, Payam  
Noor University

**Mahdi Khakzand:** Assistant professor, Iran  
University of Science and Technology

**Gholam Hosein Memarian:** Professor, University  
of Science and Technology

**Abolfazl Meshkini:** Assistant professor, Tarbiat  
Modares University

**Salahedin Molanaei:** Assistant Professor,  
University of Kurdistan

**Asghar Moradi:** Professor, Iran University of  
Science and Technology

**Masood Nari Qomi:** Lecturer, Kashan University

**Mohammad Manan Raeesi:** Assistant Professor,  
Iran University of Science and Technology

**Ali Mohammad Ranjbar kermani:** Assistant  
Professor, Qom University

**Hasan Sajadzadeh:** Assistant professor, Hamedan  
Bu-Ali University

**Ali Akbar Taghvae:** Associate professor, Tarbiat  
Modares University

**Behzad Vasiq:** Assistant Professor  
Jondy Shapoor University

**Mohammad Hosein Zakari:** Assistant professor,  
Shiraz University





▣ **Mosque design patterns in contemporary architecture**

Mohammadjavad Mahdaveinejad / Mohammad Mashayekhi / Monireh Bahrami

▣ **Tuba concept's role in formation of illustrious Safavid domes**

Hadi Safaeipour / Gholam Hossein Memarian / Mommad Reza Bemanian

▣ **The Concept of Persistence in Islamic Architecture and comparing it to the Concept of Sustainability in Contemporary Architecture**

Faezeh Shafiyani Daryani / Mohammadreza Pourjafar / Alireza Ghobadi

▣ **Persian Garden as Healing Garden An Approach with Islamic Influences**

Karim Mardomi / Sedigheh Mirhashemi / Kasra Hassanpour

▣ **Chaharsofeh Pattern Typology at Iranian Architecture and Its Evolution**

Asadollah Jodaki Azizi / Seyyed Rasool Mousavi Haji / Reza Mehrafarin

▣ **Reviewing the characteristics of the entrance as a articulation and visual privacy in adjacent public space Case study; Laft port**

Mehran alialhesabi / Abolfazl ghorbani

▣ **Deciphering of Immovable Inscription Documents in World Heritage of Tabriz Historic Bazaar Complex**

Hossein Esmaeili Sangari / Vahid Eilaei